



سعید گودرزی، مدیرعامل کارخانه چسب سینا از زندگی اش می گوید:

## حالا چی می چسبه؟

محکم، آرام و هدفمند صحبت می کند و دائم از آینده و طرح توسعه کارخانه می گوید و اینکه از ۱۵ سال پیش در کنار زمین ۱۲ هزار متری کارخانه زمینی ۴۵ هزار متری را برای توسعه کار خریده است تا با مشکل مواجه نشود؛ آن چیزی که در سعید گودرزی مدیرعامل شرکت صنایع چسب سینا بیش از هر چیزی دیده می شود امیدواری به آینده است، احساسی که خود می گوید از برنامه ریزی، نظم و کار، کار و کار می آید. او کارآفرینی است که به همراه مهندس محمدزاده شریک ۲۵ ساله اش از کارگاهی ۶۰ متری شروع کردند و حالا صاحب یکی از بزرگ ترین کارخانه های تولید انواع چسب در کشور هستند؛ کارخانه ای که می گوید همه چیزش آجر به آجر و قدم به قدم ساخته شده است.



اقتصادی می نوشتیم. مثلاً برای یک کارخانه خودکار طرح نوشتیم. ■ از آن طرح ها آیا واحد تولیدی هم راه اندازی شده است که همچنان فعال باشد؟

بله، همان کارخانه خودکاری که گفتم راه اندازی شد یا طرح جامعی برای یک شرکت با عنوان پارس الوان نوشتیم که الان یکی از کارخانه های موفق در زمینه تولید رنگ و رزین های آلکاید محلول در آب است؛ آن زمان هنوز این نوع رزین در ایران تولید نمی شد و این کارخانه اولین در نوع خود بود. این کار را با دو نفر از دانشجویان هم دانشگاهی که هم اتافی خوابگاه هم بودیم انجام می دادیم؛ جواد فیروزبانی و دیگر هم اتافی من حسین محمدزاده که مهندس پلیمر بود و اتفاقاً همین کارها و فعالیت های مشابه زمینه شراکت و همکاری های بعدی ما را کلید زد و حالا ما بیش از ۲۵ سال است که با هم کار می کنیم و دوستی مان هم هرروز محکم تر شده است.

■ بعد از فارغ التحصیلی دانشگاه با چه کاری شروع کردید؟ آیا خدمت سربازی هم رفتید؟

بعد از دانشگاه خدمت سربازی رفتم، در مرکز بررسی سیستم های سپاه بودم که آن زمان آقای میرکازمی که بعدها وزیر نفت شد، مسئولیتش را برعهده داشت. البته در کنار خدمت همچنان به نوشتن طرح های امکان سنجی ادامه دادم ولی خوب در کنار آن به فکر راه اندازی یک کار هم بودم و طرح های مختلفی در ذهن داشتم و حتی روی چندتا از آنها هم مدتی زمان گذاشتیم که به نتیجه نرسید یا در میانه راه پشیمان شدم.

### ■ مثلاً چه طرح هایی؟

مثلاً مدتی دنبال راه اندازی کارخانه سرامیک و کاشی بودم و به این فکر می کردم که اطراف همدان در لاله جین واحدی را تاسیس کنم و خیلی از کارهایش را هم انجام دادم ولی بعد به این نتیجه رسیدم که نمی توانم آینده موفقی داشته باشم و پشیمان شدم. مدتی هم روی طرح تاسیس کارخانه تولید فیوز مینیاتوری کار کردم ولی از آن هم صرف نظر کردم تا اینکه ایده راه اندازی یک واحد تولید چسب به ذهن من و دوستم رسید و به دنبال این کار رفتم.

### ■ چه سالی و چگونه کار را شروع کردید؟

سال ۶۹ شروع به تحقیق در این باره کردم و یادم هست خانه ما که تازه ازدواج کرده بودم به آزمایشگاه تولید چسب تبدیل شده بود؛ از یک مته یا دریل برای هم زدن استفاده می کردیم و مواد مختلف را ترکیب می کردیم که به فرمول مناسبی برسیم؛ شاید باورتان نشود ۷۸ ماه این کار را در خانه ادامه دادیم تا اینکه به نتیجه رسیدیم و به فکر راه اندازی کارگاه افتادیم.

### ■ شما که اصلاً در زمینه شیمی تخصصی نداشتید، چطور سمت این کار رفتید؟

درست است که من رشته تولید صنعتی خوانده ام ولی تحقیقات زیادی انجام می دادیم و از طرفی دیگر هم فراموش نکنید که شریک مهندس محمدزاده فارغ التحصیل پلیمر است و کار فنی را او برعهده گرفته بود، همانند همین حالا که او بیشتر کارهای مدیریت کارخانه و فنی را انجام می دهد و من کارهای ستادی و مدیریت کلان و توسعه را.

### ■ تولید رسماً از کی شروع شد؟ و سرمایه اولیه شما چقدر بود؟

### ■ متولد چه سالی هستید؟ در چه خانواده ای به دنیا آمده اید؟ از کودکی تان بگویید.

من متولد شهر ملایر در استان همدان هستم، سال ۱۳۴۳؛ دیپلم ریاضی ام را همان جا گرفتم. شغل پدرم در ابتدای زندگی ماشین های سنگین بود ولی بعد کار را گسترش داد و پیمانکار حمل مواد نفتی شد؛ ماشین های مختلفی داشت و با شرکت نفت در حمل مواد نفتی همکاری می کرد. من از کودکی و نوجوانی کار می کردم، یادم هست زمانی که پدر پیمانکاری حمل و نقل مواد نفتی را انجام می داد کارهای محاسباتی شرکتش را برعهده داشتم و یک دوره هم به عنوان کارگر ساده در شرکت دایی ام که کار پیمانکاری برق و تاسیسات را انجام می دادند، مشغول شدم، البته به صورت کلی پدر مخالف کار کردن ما بود و نمی خواست ما فقط جذب کار شویم و فکر می کرد باید تمرکزمان بیشتر روی درس باشد.

### ■ چقدر در این توصیه پدر موفق بودید؟

تحصیل برایم همیشه مهم بوده است، وقتی دیپلم گرفتم به خاطر تعطیلی دانشگاه ها هم زمان با انقلاب فرهنگی نتوانستم مستقیم به دانشگاه بروم و یک سال در دانش سرا در رشته ریاضی تحصیل کردم، آن زمان برای معلم شدن افراد به دانش سرا می رفتند ولی خوب با باز شدن دانشگاه ها در کنکور شرکت کردم و توانستم جزو اولین دوره قبولی دانشگاه ها بعد از انقلاب باشم (سال ۶۲) که واقعاً نقطه عطفی در زندگی ام است. اول در رشته برق پذیرفته شدم و یک سال در این رشته تحصیل کردم ولی بعد تغییر رشته دادم و مهندسی صنایع (تولید صنعتی) خواندم و فارغ التحصیل این رشته هستم.

### ■ هم زمان با تحصیل دانشگاه کار هم می کردید؟

بله، یادم هست که از انتهای سال تحصیلی اول دانشگاه کار را شروع کردم و حین تحصیل همیشه فعال بودم؛ آن زمان برای پروژه هایی که می خواستند مجوز بگیرند طرح های امکان سنجی

اولین کارگاه تولید چسب را با سرمایه اولیه یک میلیون تومان و بدون داشتن کارگر در نزدیکی شهرری و در کارگاهی ۶۰ متری راه اندازی کردند

متولد ملایر در استان همدان است و پدرش پیمانکار حمل و نقل مواد نفتی بوده. دیپلم ریاضی دارد و فارغ التحصیل رشته مهندسی صنایع از دانشگاه امیرکبیر است.

۱۳۷۰

۱۳۶۹

۱۳۴۳

هم زمان با خدمت سربازی با همکاری دوست و شریک مهندس محمدزاده بررسی راه اندازی کارهای مختلف را شروع کردند و در نهایت به فکر احداث یک کارخانه تولید چسب افتادند؛ آنها بیش از ۸۰،۷ ماه در آزمایشگاه خانگی شان برای رسیدن به فرمول، چسب تولید می کردند.

روز کاری معمولاً از ۹ صبح شروع می‌شود و روزهایی که به کارخانه می‌روم زودتر شروع می‌کنم و بیشتر وقت‌ها هم تا ۶ عصر و دیرتر با توجه به حجم کار در دفتر حضور دارم. از جوانی به ادبیات و شعر خیلی علاقه داشتم؛ در کنار کار اگر فرصتی باشد، کتاب می‌خوانم، حتماً روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها را ورق می‌زنم. یکی، دو روز در هفته عصرها شنا می‌کنم و به پیاده‌روی می‌روم، مخصوصاً در مسافرت‌های داخلی و خارجی بیشتر وقت برای پیاده‌روی می‌گذارم. البته با همه اینها بیشتر زمان زندگی‌ام را کار می‌کنم

ببینید وام همیشه بوده و همین الان هم هست ولی به صورت کلی تنها با گرفتن وام به توسعه کار نمی‌پردازیم و همیشه با سرمایه‌هایی که خودمان جمع کرده‌ایم، فعالیت‌ها را گسترش داده‌ایم.

■ در حال حاضر چند مدل چسب تولید می‌کنید و چقدر تولید دارید؟ و چند نفر در مجموعه شما مشغول به کار هستند؟

در حال حاضر در این مجموعه ۱۲۰ نفر کار می‌کنند و سالانه حدود ۴۰ نوع چسب تولید می‌کنیم که در بیش از ۱۵۰ نوع بسته‌بندی به بازار و مصرف‌کنندگان ارائه می‌شوند. ظرفیت تولید ما الان ۱۰ هزار تن است که به دنبال گسترش آن هستیم و اگر طرح توسعه‌مان اجرایی شود با افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی تولید روبه‌رو می‌شویم.

■ در حال حاضر چقدر صادرات دارید و به چند کشور؟

صادرات را از ۲۰ سال پیش تقریباً شروع کردیم و اولین محصولاتمان از طریق مشهد به منطقه آسیای میانه رفته بود و بعد با درخواست‌هایی برای خرید مواجه شدیم و همین شد که صادرات رسمی را کلید زدیم. در حال حاضر شرکت سینا سالانه حدود دو میلیون دلار صادرات دارد.

■ محکم و با قاطعیت صحبت می‌کنید و به نظر امیدهای بسیاری به آینده دارید و دائم از توسعه و گسترش سخن می‌گویید، این روحیه از کجا در شما شکل گرفته است؟

هیچ سازمان، کارخانه و شرکتی بدون رشد و توسعه باقی نمی‌ماند، شما اگر طرح رشد و توسعه نداشته باشید، حتی اگر یکی از بزرگ‌ترین کارخانجات دنیا مثل GM (جنرال موتورز) هم باشید باز زمین گیر و ورشکسته می‌شوید؛ ما در همه این سال‌ها در کارخانه تلاش کرده‌ایم برنامه‌هایی برای رشد و توسعه همه‌جانبه داشته باشیم و برای رسیدن به این موضوع نکاتی هست که در اولویت قرار داده‌ایم. اول از همه اینکه کار باید بر اساس راستی، درست‌ی و احترام باشد یعنی باید به همدیگر اعتماد کنیم؛ دومین موضوع این است که باید نسبت به وظیفه‌ای که برعهده گرفته‌ایم اشراف لازم را داشته باشیم، بعضی وقت‌ها ما کارهایی که می‌خواهیم انجام دهیم بیشتر شبیه آرزوست درحالی که نیاز به طرح و برنامه دقیق داریم. نکته دیگر هم بحث نظم است که در ساختار و اداره یک کارخانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر اینها همیشه باید به خاطر داشته باشیم که کار مهم‌ترین موضوع در زندگی است. همچنین ما به همه نیروهایمان گوشزد می‌کنیم که کار تیمی و مشارکت در کار در مجموعه ما حرف اول را می‌زند ما یک تن واحد هستیم برای رسیدن به اهدافمان و هرکسی در این مجموعه کار و نقشی که دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ مشارکت یعنی اینکه همه ما با هم کار کنیم. ■



بعد از به نتیجه رسیدن آزمایش‌ها سال ۷۰ اولین کارگاهمان را که ۶۰ متر بود در شهری با ماهی ۱۵ هزار تومان اجاره کردیم. آن زمان سرمایه ما اصلاً قابل توجه نبود، فکر کنیم در کل دو نفری یک میلیون تومان قرض کرده بودیم که خرج اجاره کارگاه شد و خرید یک میکسر یک تنی برای تولید چسب که ۴۰۰ هزار تومان برایش پرداخت کردیم؛ میکسری که همین حالا هم در مرکز کارخانه آن را گذاشته‌ایم تا یادمان باشد که از کجا همه چیز را شروع کردیم و با چه سختی و تلاشی به این نقطه کنونی رسیدیم. علاوه بر این میکسر، یک سری پمپ و وسایل دیگری هم خریدیم و کار شروع شد. اول همه کارها را خودمان انجام می‌دادیم و اصلاً کارگر نداشتیم، فقط بعضی وقت‌ها به صورت موقت وقتی سفارش‌ها زیاد بود از کارگران اطراف هم استفاده می‌کردیم تا اینکه بعد از حدود یک سال یک نفر به نام آقای کریمیان را استخدام کردیم که همچنان هم در مجموعه ما مشغول به کار است و الان سرپرستی یکی از قسمت‌های مهم کارخانه را برعهده دارد.

■ طرح‌های توسعه کارخانه چگونه پیش رفت؟

حدود دو سال بعد از راه‌اندازی کارگاه و با افزایش سفارش و مشتری به فکر توسعه کار افتادیم زیرا فضا محدود بود و اجازه تولید بیشتر را به ما نمی‌داد. البته هنوز سرمایه چندانی نداشتیم به همین خاطر خانه پدرم را در رهن بانک گذاشتیم و توانستیم ۵ میلیون تومان وام بگیریم تا کار را گسترش دهیم.

■ شما فرمولاسیون چسب‌ها را از خارج از کشور و برندهای دیگر جهانی می‌گرفید یا خودتان درست می‌کردید؟

نه، همه فرمولاسیون‌ها و ترکیبات همیشه کار خودمان بوده و هست و اتفاقاً برای رسیدن به ترکیبات جدید همیشه سختی‌های بسیاری کشیده‌ایم، مخصوصاً در دو، سه سال اول که گاهی کارمان چندین ماه گره می‌خورد تا موفق می‌شدیم؛ اتفاقاً در این سال‌ها از ابتکارانی هم در کار استفاده کردیم که باعث پیشرفت ناگهانی ما شد و به توسعه و پیشرفتمان سرعت داد.

■ چه ابتکاری؟

شرکتی وجود دارد به نام کاسپین که نماینده بسیاری از شرکت‌های خارجی تولیدکننده مواد اولیه شیمیایی است؛ در آن زمان که حدوداً می‌شود سال‌های ۷۲، ۷۳ این شرکت یک نوع ماده اولیه وارد کرده بود که هیچ شرکتی نمی‌توانست از آن استفاده کند و شناختی از آن نداشت و عملاً در انبارشان این ماده مانده بود تا اینکه ما با قیمت خوبی همه آن را خریدیم و توانستیم با آن چسب تولید کنیم و به موفقیت چشم‌گیری دست یابیم و محصولات خوبی به بازار بدهیم و کم‌کم سرمایه جمع کنیم. علاوه بر اینها دیگر نسبت به بازار هم شناخت خوبی پیدا کرده بودیم و مشتریان خودمان را داشتیم و همین شد که طی چند سال دائم بزرگ و بزرگ‌تر شدیم؛ از کارگاه ۶۰ متری به سوله ۲۰۰ متری رفتیم، بعد یک سوله دیگر هم اضافه کردیم و همین‌طور کارگاه را توسعه دادیم تا اینکه بعد از ۶، ۵ سال یعنی در سال ۷۶ یک جای مستقل چند هزار متری گرفتیم و بعد در هشتگرد خرید زمین و ساخت کارخانه را شروع کردیم.

■ در این زمان تولیدتان به چقدر رسیده بود؟

فکر کنم تولید به حدود سالی هزار تن رسیده بود و انواع چسب‌های مورد مصرف کفاشی که ۵ نوع بود و چند نوع چسب عمومی و... را تولید می‌کردیم.

■ یعنی چسب نواری هم تولید می‌کردید؟

آن موقع نه، در کارخانه‌ای که بعد از آن راه‌اندازی کردیم و ۱۲ هزار متر زمین داشت تولید چسب نواری را شروع کردیم، در سال ۷۸، دیگر در هشتگرد صاحب کارخانه مدرنی شده بودیم، حدود ۸، ۷ هزار متر بنا ساختیم. البته توجه کنید که ما هیچ‌گاه متوقف نشدیم؛ یعنی هم‌زمان تولیدمان را می‌کردیم و ساخت کارخانه هم ادامه داشت و هیچ وقت تولید را متوقف نکردیم.

■ برای ساخت کارخانه در هشتگرد وام گرفته بودید و اصولاً شما اهل گرفتن وام برای کار و توسعه کارخانه هستید؟

زمین کارخانه چسب سینا در هشتگرد خریداری شد و ساخت یک کارخانه مدرن در دستور کار قرار گرفت به شکلی که حالا کارخانه در زمینی به وسعت ۱۲ هزار متر و زیربنای ۸ هزار متر یکی از بزرگ‌ترین واحدهای تولید چسب در کشور محسوب می‌شود.

۱۳۷۷

۱۳۷۳

توسعه کارگاه با توجه به سفارش‌ها و افزایش فروش در دستور کار قرار گرفت، سعید گودرزی با رهن سند خانه پدری‌اش در بانک ۵ میلیون تومان وام گرفت و این سرمایه اولیه برای توسعه و گسترش کارگاه شد که در سال‌های بعد نیز همیشه ادامه داشته است.